

تأثیر تغییرات جمعیتی بر صندوق‌های بازنشستگی کشور

طاهره امینی* و محمد شیری

پژوهشکده آمار

چکیده. با ورود ایران به مرحله سالمندی جمعیت به‌عنوان آخرین مرحله گذار ساختار سنی، افزایش جمعیت سالمندان چالش مالی جدی برای صندوق‌های بازنشستگی ایجاد خواهد کرد. از این رو، بررسی استقرار فاز سالمندی جمعیت و توزیع استانی این پدیده نقش مهمی در مواجهه با پیامدهای جمعیتی بر صندوق‌های بازنشستگی دارد. این پژوهش با تحلیل داده‌های پیش‌بینی جمعیتی مرکز آمار ایران (۱۳۹۵-۱۴۱۵)، به بررسی ناهمگنی مکانی توزیع جمعیت ۶۰ سال به بالا در استان‌ها و پیامدهای آن بر صندوق‌های بازنشستگی می‌پردازد. به‌منظور نیل به این هدف از نرم‌افزار آماری R استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد روند سالمندشدن جمعیت در استان‌ها یکسان نیست؛ برخی استان‌ها با شتاب بالاتر کاهش نرخ باروری و افزایش امید به زندگی، زودتر با افزایش جمعیت سالمند و استقرار فاز سالمندی جمعیت مواجه خواهند شد. این ناهمگنی، بار مالی نامتوازی بر صندوق‌های استانی تحمیل می‌کند، به‌طوری‌که استان‌های با سهم بالاتر سالمندان (نظیر گیلان، مازندران و مرکزی) با بحران کسری منابع زودتر روبه‌رو می‌شوند. در مقابل، استان‌های جوان‌تر (مانند سیستان و بلوچستان) فرصت موقت برای اصلاح ساختار صندوق‌ها دارند. نتایج تأکید می‌کند که سیاست‌گذاری یکسان ملی بدون توجه به تفاوت‌های استانی در مسیر سالمندی، تشدید بحران صندوق‌ها را در پی خواهد داشت. پیشنهاد می‌شود مدل‌های تأمین مالی مبتنی بر ریسک جمعیتی و انتقال منابع بین استانی در دستورکار قرار گیرد. این مطالعه لزوم اتخاذ راهبردهای منطقه‌ای برای مدیریت چالش سالمندی را آشکار می‌سازد.

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات

دریافت: ۱۴۰۴/۸/۷، پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲۵.

واژگان کلیدی: سالمندی جمعیت، پیش‌بینی جمعیت، صندوق‌های بازنشستگی، توزیع استانی، ساختار سنی.

۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر به دلیل پیشرفت تکنولوژی در حوزه‌های متفاوت بهداشتی و صنعتی، رشد و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشورها؛ افزایش امید به زندگی، کاهش باروری و به تبع آن کاهش رشد جمعیت، باعث به وجود آمدن تغییرات ساختاری جمعیت جوامع شده است. اما تأثیر هر کدام از این عوامل بسته به شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جوامع متفاوت است. لذا ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و با تغییرات صنعتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و همچنین بالارفتن امید به زندگی و شاخص‌های سلامت در کشور، به خصوص در پنج دهه اخیر ساختار جمعیتی آن، دستخوش تغییرات زیادی شده است و طی این مدت جمعیت سالمند، افزایش چشمگیری داشته است.

نتایج پیش‌بینی جمعیت توسط سازمان ملل با روند رشد متوسط نشان می‌دهد در سال ۲۰۴۵، حدود ۷۰ درصد از جمعیت کشور در گروه‌های سنی ۱۵ تا ۶۴ ساله، ۱۴ درصد در گروه‌های سنی بالای ۶۵ سال و بقیه در گروه‌های سنی زیر ۱۵ سال قرار خواهند گرفت. میانگین سنی به حدود ۳۹ سال افزایش خواهد یافت. بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۳۷۵ شاخص کل سالمندی جمعیت کشور حدود ۴/۲۲ درصد بوده که بر اساس نتایج اولیه سرشماری سال ۱۳۸۵، به حدود ۲۹ درصد رسیده یعنی در سال ۱۳۸۵ در مقابل هر ۱۰۰ نفر جمعیت زیر ۱۵ سال حدود ۲۹ نفر جمعیت بالای ۶۰ سال در کشور زندگی می‌کنند. این شاخص در سال ۲۰۵۰ میلادی یا (۱۴۳۰ شمسی) به ۱۴۵ نفر جمعیت سالمند در مقابل هر ۱۰۰ نفر جمعیت زیر ۱۵ سال خواهد رسید. بنابراین جمعیت سالمند ایران تا سال ۲۰۵۰ حدوداً ۵ برابر خواهد شد [۱۱] و نکته‌ی قابل تأمل آن است که درصد جمعیت سالمند در تمام استان‌های کشور یکسان نبوده و می‌تواند تحت شرایط بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت باشد. اما در هر صورتی افزایش جمعیت سالمند باعث افزایش تعداد افراد بازنشسته و مستمری‌بگیر در کشور شده، که این باعث افزایش هزینه‌ها برای پرداخت حقوق و مستمری این افراد می‌شود و در نتیجه افزایش بار مالی صندوق‌های بازنشستگی کشور را به همراه خواهد داشت.

از طرفی دیگر در دهه‌ی گذشته و به خصوص در چند سال اخیر صندوق‌های بازنشستگی کشور با چالش‌ها و مشکلات زیادی رو به رو شده‌اند. یکی از این مشکلات، خطر ورشکستگی صندوق‌ها به دلیل مشکلات مالی است. لذا خطر ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی از جمله موضوعاتی است که از سوی اقتصاددانان صاحب‌نام ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابرچالش‌های اقتصادی کشور از آن نام برده می‌شود. عوامل مختلفی در شکل‌گیری بحران صندوق‌های بازنشستگی و وابستگی روزافزون و نگران‌کننده آنها به منابع دولتی و بودجه عمومی مؤثر بوده است که از جمله می‌توان به کاهش منابع ورودی به صندوق‌ها، اقتصاد تورمی و نرخ پایین رشد اقتصادی و نوسانات شدید ارزی، نظام بانکی ناکارآمد، محیط بی‌ثبات و پرریسک کسب‌وکارها، و وابستگی شدید به دولت و پایین بودن نرخ بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی در صندوق‌ها اشاره کرد. در کنار این موارد، عوامل جمعیتی نیز در بروز این پدیده مؤثر بوده‌اند، عواملی مانند کاهش سن بازنشستگی (که میانگین آن به ۵۱ سال رسیده است)، ناهمگونی رشد جمعیت و افزایش سهم جمعیت سالمندان و بازنشستگان و کاهش جمعیت ورودی به صندوق یا به عبارت دیگر، رشد منفی شاغلان کسورپرداز و کاهش نسبت پشتیبانی.

در شرایطی که به نظر می‌رسد همگی درگیر معضلات مالی صندوق‌ها هستند و تمامی مسائل را در محاسبات مالی و اقتصادی تقلیل داده‌اند، در این تحقیق تلاش بر این است تا نشان داده شود موضوع صندوق‌های بازنشستگی بخشی از مسئله‌ای بزرگتر به نام سالمندشدن جمعیت کشور است و به تبع آن روند سالمندی در تمام نقاط کشور یکسان نخواهد بود. زیرا وجود پدیده‌ی سالمندی در جوامع موجب بروز نگرانی‌هایی از قبیل افزایش هزینه‌های مرتبط با میانگین روزهای بازنشستگی، افزایش نسبت جمعیت مصرف‌کننده در مقایسه با جمعیت تولیدکننده، خارج شدن نیروی فعال اقتصادی از چرخه‌ی مشارکت اقتصادی و پایین آمدن نرخ تولید ناخالص داخلی و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی کشور می‌شود. لذا اتخاذ رویکرد فراگیر به پدیده بازنشستگی و سالمندی می‌تواند یکی از راه‌حل‌ها برای مواجه شدن با مخاطراتی باشد که امروزه نشانه‌های آن در قالب مشکلات مالی صندوق‌های بازنشستگی در حال ظاهر شدن است؛ پس برنامه‌ریزی آینده‌محور برای حل مشکلات این افراد و صندوق‌های بازنشستگی ضروری است. به همین منظور با استفاده از پیش‌بینی صورت‌گرفته برای ساختار سنی جمعیتی استان‌های کشور توسط مرکز آمار ایران، هدف مقاله این است تا با بیان توزیع جمعیتی سالمند در

استان‌های کشور نظام سیاست‌گذاری کشور را از پیامدهای گسترده و فراگیر این تغییر جمعیت‌شناختی مهم آگاه نماید. همچنین با اذعان به این نکته که اگرچه سیاست‌گذاری در سطح کلان کشور برای رفع این معضل سخت و حساس خواهد بود، اما با مشخص کردن استان‌هایی که زودتر با این پدیده مواجه می‌شوند، به نظر می‌رسد بهتر بتوان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری لازم را اعمال کرد و بعضاً می‌توان از اتلاف زمان و منابع در ایجاد آمادگی برای این تحول بزرگ جمعیت‌شناختی بکاهد. لذا در این تحقیق به ترتیب در بخش‌های متفاوت به پیشینه تحقیق، چارچوب نظری، روش تحقیق و یافته‌های تحقیق و در آخر هم به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته خواهد شد.

۲- پیشینه‌ی تحقیق

در سال‌های اخیر پژوهش و تحقیق‌های فراوانی به‌منظور بررسی و بازبینی وضعیت جمعیت سالمند در دوران بازنشستگی و بحران‌های پیش روی صندوق‌های بازنشستگی کشور صورت پذیرفته و نتایج آنها در اختیار قرار گرفته است. اما با توجه به هدف این مطالعه که بررسی وضعیت جمعیت سالمند پیش‌بینی شده به تفکیک استان‌های کشور می‌باشد لذا منابع مطالعاتی زیادی قابل حصول نیست لذا در پیشینه‌ای تحقیق به مرتبط‌ترین پژوهش‌های صورت‌گرفته پرداخته شده است.

با توجه به این موضوع که ایران از جمله کشورهایی است که تأمین مالی نظام بازنشستگی آن به روش پرداخت جاری است. یکی از مشکلات اصلی این روش، تغییر نسبت جمعیت فعال به جمعیت بازنشسته است که البته در ایران به‌طور مداوم در حال کاهش است. در واقع، جمعیت ایران در آستانه سالمندی است و نیازمند برنامه‌ریزی آینده‌محور در این زمینه است. لذا دهقانی و همکاران به‌منظور بررسی تأثیر سالمندی جمعیت بر نظام بازنشستگی ایران با استفاده از الگوی نسل‌های همپوشان ۵۵ دوره‌ای برای اقتصاد ایران را شبیه‌سازی کردند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که با کاهش رشد جمعیت و افزایش نسبت سالمندی جمعیت، میزان تولید ناخالص داخلی در سال‌های آتی به‌شدت کاهش می‌یابد و در صورت عدم اصلاحات ساختاری، نظام بازنشستگی با کسری مداوم و فزاینده‌ای مواجه خواهد بود. با فرض اصلاحات پارامتری در نظام بازنشستگی نظیر افزایش سن بازنشستگی، نتایج نشان می‌دهد که اگر سن بازنشستگی فقط برای زنان به

۵۵ سال افزایش یابد، کسری به ۹ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۴۳۵ خواهد رسید. اگر سن بازنشستگی زنان و مردان به ۶۰ سال افزایش یابد، کسری به ۶/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال مذکور خواهد رسید و اگر برای هر دو جنس به ۶۵ سال افزایش یابد، کسری بودجه در اوج خود در سال ۱۴۴۰ تنها ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی خواهد بود و بعد از آن به صفر میل می‌کند [۲].

وضعیت پوشش صندوق‌های بازنشستگی و نهادهای حمایتی از سالمندان، از جمله موضوع‌های مهم و اساسی در مطالعات رفاه اجتماعی است. به همین منظور کیانی، با هدف مقایسه و بررسی وضعیت پوشش مستمری بیمه‌ای و حمایتی از سالمندان در سطح کشوری و استانی طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ تحقیقی را به انجام رساند. این تحقیق به صورت یک پژوهش توصیفی-تحلیلی و روش مورد استفاده در آن برمبنای روش تحلیل ثانویه است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد روند پوشش مستمری بیمه‌ای و حمایتی سالمندان از ۷۰ درصد در سال ۱۳۹۴ به ۶۴/۴ درصد در سال ۱۳۹۷ کاهش داشته است که این وضعیت پایین‌تر از میانگین این پوشش در مقیاس جهانی (۶۷/۹) است. به عبارت دیگر نتایج این پژوهش نشان داد چتر حمایتی صندوق‌ها و سازمان‌های بازنشستگی و حمایتی از سالمندان ایرانی گسترده نیست و متناسب با رشد جمعیت سالمند، نه تنها افزایش قابل توجهی نداشته، بلکه روندی کاهشی نیز داشته است [۵].

قاسمی و همکاران در تحقیقی با هدف تبیین مدل‌های صندوق‌های بازنشستگی کشور بر اساس عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر در زندگی سالمندان با رویکرد جامعه‌شناختی، تأثیر صندوق‌های بازنشستگی بر دوره‌ی سالمندی افراد جامعه را با روش پیمایشی (رویکرد همبستگی) و نمونه‌ای شامل ۵۸۸ نفر در استان تهران مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که، مشکلات بازنشستگان مشکلات کلان (ساختی) و حقوقی و قانون‌گذاری (فرایندی) نیست، بلکه مشکلات آنها از جنس فرهنگی با دو شاخص تقدیرگرایی (روزمرگی) و نیاز مبرم مالی است که باید صندوق‌های بازنشستگی به‌ویژه صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی، در برنامه‌ریزی‌های خود در نظر بگیرند.

ادبی فیروزجایی، با هدف مطالعه شناسایی و استخراج آسیب‌ها و مشکلات صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهکارهایی جهت استحکام بخشی به وضعیت مالی این صندوق مقاله‌ای با عنوان «چالش‌ها و راهکارهای

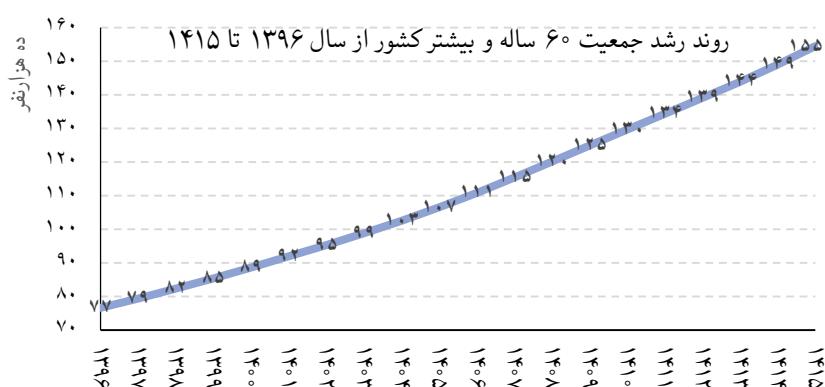
صندوق‌های بازنشستگی در ایران: مطالعه موردی صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح»
 ارایه داده است. نویسنده در این مقاله از روش مطالعات اسنادی، پیمایشی و مدل آماری
 پیش‌بینی استفاده کرده و با بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد که صندوق بازنشستگی
 نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با کسری مالی شدیدی روبرو است و بررسی‌های به
 عمل آمده بیانگر آن است که از سال ۱۳۹۰ تا کنون سهم عمده مستمری‌های پرداختی
 توسط دولت پرداخت می‌شود. در واقع سهم کمک دولت به این صندوق از بودجه دولت در
 طی یک دهه اخیر بیش از ۶ برابر افزایش یافته است. یکی از راهکارهای اساسی برای
 جلوگیری از احتمال ورشکستگی صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح آن است که این
 صندوق به صورت مستقل فعالیت نماید و از حمایت کامل دولت خارج شود [۱].
 یوسفی قلعه‌رودخانی در مقاله‌ی خود با عنوان «بررسی چالش‌های صندوق بازنشستگی و
 ارایه راهکارهای عملی» به بررسی چالش‌های موجود در صندوق‌های بازنشستگی
 می‌پردازد نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل سیستماتیک و پارامتری متعددی بر
 عملکرد صندوق‌های بازنشستگی تأثیرگذارند، این صندوق‌ها با توجه به تعهدات آتی، در
 وضعیت مطلوب و مناسبی قرار ندارند و با چالش‌های متعددی مواجه هستند. لذا راه
 حل‌ها و پیشنهاداتی برای رفع این چالش‌ها و مشکلات ارائه می‌کنند [۱۰].

۳- ادبیات موضوعی

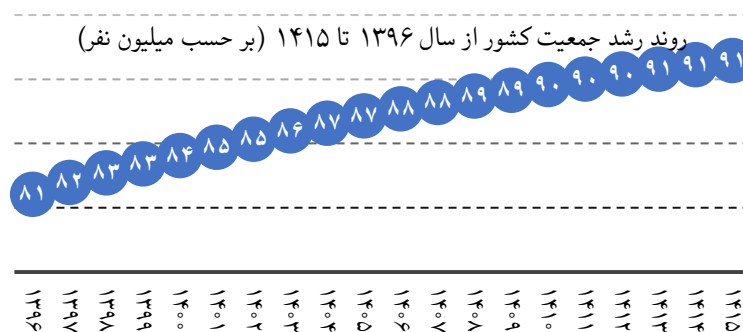
ساختار سنی جمعیت، با توجه به رفتار اقتصادی متفاوت افراد در مسیر و مراحل مختلف
 زندگی، می‌تواند اثرات قابل توجهی در عملکرد اقتصادی یک جامعه داشته باشد. در هر
 یک از مراحل انتقال ساختار سنی، با توجه به اینکه جمعیت کدام یک از گروه‌های سنی
 در اکثریت باشند، نوع و کم و کیف نیازهای اجتماعی و جمعیتی تغییر می‌کند. با توجه به
 کاهش نرخ باروری، کاهش نرخ مرگ و میر و افزایش امید به زندگی در سطح کشور، هرم
 سنی جمعیت ایران به سمت سالمندی پیش می‌رود و نیز بر اساس برآورد سازمان ملل در
 سال ۲۰۱۵، ایران در رده‌ی نهم جهان از نظر سرعت پیر شدن جمعیت قرار دارد. در سال
 ۲۰۱۵ حدود ۸/۲ درصد جمعیت ایران بالای ۶۰ سال سن داشته‌اند. و تا سال ۲۰۵۰
 حدود ۳۱/۲ درصد جمعیت ایران را افراد بالای ۶۰ سال تشکیل خواهد داد. جمعیت
 کشور از حدود ۷۰ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ به حدود ۹۰ میلیون نفر در

سال ۱۴۳۰ خواهد رسید. به عبارت دیگر، اندازه جمعیت ایران در این دوره‌ی ۴۵ ساله، نزدیک به ۳۰ درصد رشد خواهد داشت. در حالی که رشد جمعیت سالمند بین ۴ تا ۵ برابر خواهد بود [۱۱].

بر اساس پیش‌بینی‌های مرکز آمار ایران و با توجه به شکل‌های ۱ و ۲، اگر چه روند رشد کل جمعیت کشور و جمعیت سالمند کاملاً افزایشی است.



شکل ۱- روند رشد جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر کشور از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۱۵ (ده هزار نفر)



شکل ۲- روند رشد جمعیت کشور از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۱۵ (بر حسب میلیون نفر)

واضح است که جمعیت سالمند در سال ۱۴۳۰، همان جمعیت جوانی است که در شرایط فعلی مشکلات اشتغال، مسکن و ازدواج آنها برای دولت چالش‌هایی را ایجاد نموده است. با توجه به این توضیحات و نیز روند پیش روی تغییرات جمعیتی در کشور، ایران با پدیده‌ی سالمندی مواجه است و این پدیده می‌تواند یکی از عوامل تغییر ساختار سنی جمعیت باشد. لذا در ساختار سنی سالمند نیازهایی از قبیل تأمین اجتماعی، مسائل بهداشتی و معلولیت‌ها، مسائل رفاهی و روانی اجتماعی و به‌طور کلی مسائل مرتبط با بازنشستگان و سالمندان اولویت پیدا می‌کنند. از این‌رو مطالعه بر روی نیازهای ساختار سنی سالمند اهمیت بیشتری پیدا کرده و به همین منظور مسئله‌ی بازنشستگی و عوامل تأثیرگذار بر آن می‌تواند موضوع تحقیق بسیاری از محققان قرار گیرد.

از منظر اقتصادی، افزایش سهم سالمندان در جمعیت، می‌تواند منجر به کاهش توان تولیدی-اقتصادی یک کشور شود و این به معنای افزایش هزینه‌ها و در نتیجه کاهش درآمدها خواهد بود؛ به بیان دقیق‌تر با افزایش جمعیت سالمند در یک جامعه نیروی کار فعال کاهش خواهد یافت که این به نوبه‌ی خود، نه تنها باعث کاهش توان تولیدی و رشد اقتصادی آن جامعه می‌شود؛ بلکه تعداد پرداخت‌کنندگان حق بیمه در سطح خرد و تعداد پرداخت‌کنندگان مالیات در سطح کلان را نیز کاهش خواهد داد. از طرفی دیگر، به دلیل سالمندی جمعیت بار تکفل جامعه یعنی نسبت سالمندان به جمعیت در سن کار افزایش پیدا کرده و این به معنای افزایش هم‌زمان تعداد سالمندان نیازمند حمایت و مستمری‌بگیران بازنشسته است. نتیجه این وضعیت بار مالی بیشتر، بر دولت و نظام رفاه و تأمین اجتماعی است. افزایش سالمندی، نیازهای آنها را متنوع‌تر و برطرف‌کردن و تأمین این نیازها را به ویژه در دوران رکود اقتصادی دشوارتر کرده و دولت‌ها را از نظر اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی با چالش‌های جدیدی رو به رو خواهد کرد. از این‌رو تأمین آسایش و رفاه سالمندان برحسب سلامت جسمی و عاطفی و شرایط زندگی آنها، ابعاد اجتماعی و فرهنگی و سطح توسعه اقتصادی، سطح توسعه اجتماعی-اقتصادی ساخت سیاسی، ساختار و مؤلفه‌های جمعیتی جامعه، تابعی از عوامل به هم پیوسته و مرتبط است. بنا براین سالمندی سرآغاز دوره‌ی جدیدی از زندگی به نام بازنشستگی است. اگر چه پژوهشگران مختلفی در مطالعات خود بر اساس سؤالات و فرضیه‌های موجود در پژوهش‌ها، برای بازنشستگی تعاریف متفاوتی ارائه کرده‌اند. اما به طور کلی و از دیدگاه روان‌شناختی، بازنشستگی مرحله‌ای طبیعی از رشد انسان است که در ادامه مراحل رشدی

قرار داشته و به عنوان مرحله نهایی رشد در نظر گرفته می‌شود که با دیگر مراحل زندگی تفاوت بسیاری دارد [۹]. از طرفی نظام بازنشستگی، در مقررات استخدامی بخش خصوصی و دولتی تمام کشورهای دنیا جایگاه ویژه‌ای دارد. در سه دهه آخر قرن بیستم، جهان شاهد تحولی در سیستم‌های بازنشستگی از طریق ایجاد صندوق‌های بازنشستگی برای تأمین و اداره دارایی‌های بازنشستگی و نیز پرداخت مزایای بازنشستگی از محل این دارایی‌ها بود که صندوق‌های کشور ایران نیز از این رویه مستثنی نبوده و نیستند. لذا بسیاری از افراد بازنشستگی را زمان ترک شغل تمام‌وقت و پایان فعالیت می‌دانند که از طریق حقوق و مزایای بازنشستگی و کمک‌های مالی از سوی دولت از بازنشستگان حمایت می‌شود و درصد قابل توجهی از سالمندان، بازنشستگانی هستند که تحت پوشش صندوق‌های مالی و حمایتی دولتی قرار دارند و مسئولیت تأمین رفاه مادی و سلامت جسمی و روانی ایشان به عهده این صندوق‌ها است. بنا بر این قوانین و سیاست‌های اجتماعی، یک دولت نقش مهمی در کیفیت زندگی بازنشستگان دارند. برای مثال، در حیطه امنیت مالی، خط مشی‌های پرداخت حقوق بازنشستگی و میزان کلی رفاه جامعه تعیین‌کننده شاخص امنیت مالی و رفاه اجتماعی است [۸].

همچنین باید اذعان کرد سالمندی جمعیت علاوه بر بازنشستگی‌های معمولی، افزایش بازنشستگی زودهنگام را نیز به همراه خواهد داشت که این خود یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر افزایش بحران و وابستگی بیشتر صندوق‌های بازنشستگی به حمایت‌های مالی دولت است. با افزایش میانگین سنی جامعه ساختار جمعیت به سمت و سوی سالمندی می‌رود و بازنشستگی زودهنگام بیشتری رخ خواهد داد. بدان معنا که با بالا رفتن میانگین سنی تعداد افراد واجد شرایط بازنشستگی زودهنگام نیز افزایش یافته و به تبع آن احتمال تقاضا برای بازنشستگی زود هنگام رشد بیشتری داشته و خارج شدن افراد بیشتری از چرخه‌ی بازار کار را به همراه خواهد داشت و این باعث افزایش نسبت جمعیت مصرف‌کننده در مقایسه با جمعیت تولیدکننده خواهد شد. خارج شدن نیروی فعال اقتصادی از چرخه‌ی مشارکت اقتصادی باعث پایین آمدن نرخ تولید ناخالص داخلی و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی کشور می‌شود. بنا بر این بالا رفتن میانگین سنی جامعه و سالمند شدن جامعه نه تنها برای صندوق‌های بازنشستگی تبعات جبران‌ناپذیری را به همراه خواهد داشت بلکه مشکلات اقتصادی عمده‌ای را برای دولت‌ها ایجاد خواهد کرد. در جدول ۱ روندی از نسبت بازنشستگی زودهنگام به عادی در سازمان تأمین اجتماعی

از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ آمده است و همانطور که مشاهده می‌شود تقریباً هر ساله، درصد تقاضا برای بازنشستگی زود هنگام از درصد افرادی که باید بازنشسته شوند افزایشی بوده که این مسئله، آینده‌نگری و تصمیم‌گیری درست مسؤلان برنامه‌ریز در این حوزه را می‌طلبد. شاید افزایش سن بازنشستگی و تغییر شرایط بازنشستگی زود هنگام بتواند باعث کاهش چالش‌های صندوق‌های بازنشستگی در راستای این مشکلات باشد.

جدول ۱- نسبت بازنشستگی زود هنگام به عادی در سازمان تأمین اجتماعی

شرح	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰
عادی	۸۶	۸۶	۷۴	۷۵	۶۱	۵۴	۵۴	۵۱	۴۹	۴۸
زود هنگام	۱۴	۱۴	۲۶	۲۵	۳۹	۴۶	۴۶	۴۹	۵۱	۵۲

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس

از آنجا که عملکرد و وضعیت مالی صندوق‌های بازنشستگی بر آینده میلیون‌ها نفر تأثیر دارد. بنابراین، عملکرد آنها می‌تواند پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زیادی در بر داشته باشد. اداره موثر این صندوق‌ها، تعیین خط مشی‌های مناسب بازنشستگی و نظارت بر فعالیت آنان به اطلاعات اتکاپذیر، مربوط و شفاف نیاز دارد. در حال حاضر در کشور، هجده صندوق بازنشستگی فعال است؛ اما بیش از ۹۵ درصد افراد تحت پوشش چهار صندوق بزرگ شامل صندوق بازنشستگی کشوری، بیمه تأمین اجتماعی، نیروهای مسلح و کشاورزان، روستاییان و عشایر^۱ قرار دارند. و بر اساس آمارهای منتشر شده ۳ صندوق بازنشستگی ایران یعنی تأمین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشور و صندوق نیروهای مسلح یا مشکلات مالی شدیدی دارند یا در آینده نزدیک به آنها دچار خواهند شد. تشدید مشکلات مالی این صندوق‌ها نه تنها تهدیدی برای نظام اقتصادی کشور محسوب می‌شود بلکه می‌تواند باعث پیامدهای اجتماعی و سیاسی زیادی در کشور شود. عملکرد این صندوق‌ها بدین صورت است که با استفاده از منابع حاصل از دریافت حق بیمه شاغلان و سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌های که انجام شده است حقوق بازنشستگی افراد را تأمین و پرداخت نمایند. اما محقق نشدن منابع پیش‌بینی‌شده و عدم توانایی آنها در پرداخت حقوق بازنشستگی باعث می‌شود تا دولت مجبور باشد به طور مستقیم از منابع عمومی خود کسری این صندوق‌ها را جبران کند و با وخامت بیشتر مشکلات مالی صندوق‌ها، دولت باید سالانه سهم بیشتری از بودجه عمومی کشور را برای پرداخت حقوق بازنشستگان اختصاص دهد. لذا رشد روزافزون نارضایتی سالمندان، به ویژه سالمندان

بازنشسته از خدماتی که دولت در قالب سازمان‌های بیمه‌ای و بازنشستگی ارائه می‌دهد نشان‌دهنده مسئله‌مند شدن وضعیت سالمندان در جامعه ایرانی است.

بر اساس داده‌های جدول ۲، با توجه به افزایش سهم بودجه عمومی تخصیص یافته به صندوق‌های بازنشستگی، علی‌رغم مشکلات اقتصادی این روزهای کشور زنگ خطری برای برنامه‌ریزان این حوزه به صدا درآمده است. به‌ویژه بر اساس داده‌های منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران نرخ رشد جمعیت سالمند کشور نیز در سال‌های پیش رو افزایش چشمگیری داشته و قطعاً بار مالی وارد شده به صندوق‌های بازنشستگی افزایش خواهد یافت و این به معنای تقاضای بیشتر برای بودجه خواهد بود. بر همین اساس با نگاهی اجمالی به مقایسه اعتبارات صندوق‌های بازنشستگی با بودجه‌های ضروری در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ (آنچه که در جدول ۳ آمده است) می‌توان بیشتر به وخامت اوضاع صندوق‌های بازنشستگی کشور پی برد زیرا در مجموع حدود ۱۵ درصد از کل بودجه عمومی کشور را به خود اختصاص داده است. که این تازه مجموع بودجه‌ای است که برای جبران کسری صندوق‌های بازنشستگی کشوری، نیروهای مسلح، صندوق بازنشستگی فولاد و صندوق وزارت اطلاعات در نظر گرفته شده است. در حالی که نگرانی بزرگ، از اضافه شدن قریب‌الوقوع تأمین اجتماعی به این جمع است. پیش‌بینی می‌شود طی سال‌های نه چندان دور بار مالی سازمان تأمین اجتماعی نیز که خود به تنهایی حدود ۷۵ درصد بازنشستگان را تحت پوشش دارد برای تأمین حقوق بازنشستگانش به بودجه عمومی تحمیل شود.

جدول ۲- سهم صندوق‌های بازنشستگی از بودجه عمومی بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲

۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲
۱۱/۹	۱۱/۴	۱۲/۰	۱۱/۴	۱۳/۸	۱۴/۲	۱۳/۷	۱۲/۸	۱۴/۱	۱۵/۳

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس

جدول ۳- مقایسه اعتبارات صندوق‌های بازنشستگی با بودجه‌های ضروری در لایحه بودجه ۱۴۰۲

صندوق‌های بازنشستگی	مجموعه آموزش و پرورش	وزارت علوم، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی	وزارت بهداشت، بیمارستان‌ها و دانشگاه‌های علوم پزشکی
۳۳۱ هزار میلیارد تومان	۲۰۶/۷ هزار میلیارد تومان	۵۲ هزار میلیارد تومان	۲۷/۳۳ هزار میلیارد تومان

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس

علاوه بر نکات بیان شده درباره افزایش سالمندی در کشور به نظر می‌رسد که تفاوت‌های استانی در الگوهای جمعیتی نیز از دیگر جنبه‌های کلیدی این مسئله است. به عنوان مثال، استان‌های شمالی مانند گیلان و مازندران با سهم بالای سالمندان و استان‌های مرزی مانند سیستان و بلوچستان با جمعیت جوان‌تر مواجهند. این ناهمگونی، برنامه‌ریزی برای توزیع منابع بازنشستگی و ارائه خدمات حمایتی را پیچیده می‌کند. پیش‌بینی‌های جمعیتی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که تا سال ۱۴۱۵، جمعیت سالمند کشور دو برابر خواهد شد، در حالی که رشد کل جمعیت تنها ۱۲ درصد است. این شکاف رشد، لزوم بازنگری در سیاست‌های کنونی را آشکار می‌سازد. بنابر این یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که بر بحران‌های مالی دامن می‌زند بحث تغییرات جمعیتی و استقرار فاز جمعیتی است. به عبارت دیگر با استقرار فاز سالمندی جمعیت، تعداد سالمندان یا بازنشستگان بیشتر شده و بار مالی از نظر بحث رفاه برای سالمندان در صندوق‌ها بیشتر می‌شود. بنا بر این گام اول در حل مشکلات و بحران‌های مالی در صندوق‌های بازنشستگی شناخت روند تغییرات جمعیت سالمند، استقرار فاز جمعیتی سالمند و توزیع استانی آنهاست، چرا که این موضوع می‌تواند زمینه‌های برنامه‌ریزی کارآمد برای مواجهه با مشکلات صندوق‌های بازنشستگی را فراهم آورد.

۴- روش تحقیق و یافته‌های تحقیق

روش تحقیق در این مقاله بهره‌گیری از مطالعات ثانویه و روش اسنادی است.

۴-۱- پیش‌بینی جمعیت کشور تا افق ۱۴۳۰ و جمعیت استانی تا سال ۱۴۱۵

پیش‌بینی جمعیت کشور تا افق ۱۴۳۰ و جمعیت استانی تا سال ۱۴۱۵ پس از انتشار نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ در سال ۱۳۹۶ انجام شد و نتایج آن پس از تصویب کمیته آمار بخشی جمعیت منتشر شد. با توجه به گذشت بیش از پنج سال از اجرای سرشماری ۱۳۹۵ و نیز با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جامعه و نیز همه‌گیری بیماری کوید ۱۹ و بازتاب آن در آمارهای حیاتی و اثرگذاری نتایج آن در محاسبات بسیاری از شاخص‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها بازنگری پیش‌بینی جمعیت بیش از پیش ضرورت می‌یابد.

در بازنگری جمعیت ایران با توجه به واقعیت‌های موجود جامعه و شاخص‌های محاسبه شده از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ سناریوهای باروری و مرگ و میر پیش‌بینی قبلی تغییر کرد. ارزیابی داده‌های سرشماری و سناریو مهاجرت‌های داخلی هم کماکان بر اساس پیش‌بینی قبلی باقی ماند. برای پیش‌بینی جمعیت طبق روال گذشته از روش ترکیبی (مولفه‌ای - نسلی) و نرم‌افزار SPECTRUM4 استفاده شد. سازمان ملل نیز به کشورها توصیه می‌نماید از این روش به عنوان روش "استاندارد طلایی" در برآورد و پیش‌بینی‌های آمارهای رسمی خود استفاده کنند.

برای تدوین سناریوهای باروری ابتدا باروری کل کشور و سپس باروری هر یک از استان‌ها به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفتند. در آغاز روند باروری کل کشور و سپس هر یک از استان‌ها به طور جداگانه در دوره ۲۰ ساله اخیر مورد بررسی قرار گرفتند. در ادامه الگوی باروری کل کشور و هر یک از استان‌ها بر اساس سطح تحصیلات زنان ترسیم شد و استان‌ها بر این اساس به پنج گروه طبقه بندی شدند و برای هر گروه یک معرف طبقه لحاظ شد. به این ترتیب در هر طبقه مشخص شد الگوی باروری در چه سطحی از تحصیلات زنان است و سپس فرض شد در افق پیش‌بینی به سطحی بالاتر تحصیل خواهند رسید. علاوه بر این فرض شد باروری در دوره کرونا به حداقل ممکن خود رسیده و بعد از پوشش بالای واکسیناسیون از سال ۱۴۰۰ به بعد تا حوالی سال ۱۴۰۳ سطح باروری مجدداً به دوره قبل از کرونا (سال ۱۳۹۸) بازگشته و پس از جبران مقداری از کاهش خود دوباره به روند کاهشی خود بازگردد.

با فراگیری اپیدمی کوید ۱۹ در کشور از اواخر سال ۱۳۹۸ فرضیات قبلی که افزایش متوسط امیدزندگی در آن لحاظ شده بود به افزایش کند تغییر شکل یافت. به این ترتیب که با توجه به مقدار امیدزندگی هر جنس و هر استان افزایش کند در دوره‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ و ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ و مجدداً افزایش متوسط در دوره‌های بعدی به عنوان فرض محتمل ملاک عمل قرار گرفته و اندازه آنها را به فاصله‌های ۵ ساله برآورد شد. ضمناً در گذر از امید زندگی‌های سال ۱۳۹۵ (به تفکیک جنس و شهری و روستائی) به ارقام تعیین شده برای سال افق (سال پایانی پیش‌بینی) الگوی West مد نظر بوده است [۷].

با استفاده از داده‌های موجود برای پیش‌بینی جمعیت به تفکیک استان و با استفاده از بسته‌های نرم‌افزاری «sf» و «tmap» موجود در زبان برنامه‌نویسی R نقشه‌هایی برای

نمایش درصد جمعیت سالمندان در کشور ترسیم شده است که در ادامه به تفکیک هر نقشه توضیحات لازم ارایه خواهند شد.

۴-۲- یافته‌ها^۲

با در نظر گرفتن پیش‌بینی جمعیتی که توسط مرکز آمار ایران برای سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۱۵ انجام شده است، در سال ۱۴۱۵، نزدیک به ۱۷ درصد از جمعیت کل کشور را افراد گروه سنی ۶۰ ساله و بیشتر تشکیل خواهند داد. از این رو با توجه به شکل ۳ و تعداد جمعیت در هر استان، بیشترین سهم از این گروه سنی در استان تهران با ۳/۳ درصد (از ۱۷ درصد سهم این گروه سنی) بوده و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و خراسان جنوبی با ۱ درصد (از ۱۷ درصد سهم این گروه سنی) کمترین سهم را دارا خواهند بود.

با توجه به دسته‌بندی استان‌های کشور بر اساس سهم جمعیت سالمند، استان‌های گیلان و مازندران به ترتیب با ۲۴ و ۲۲ درصد از کل جمعیت خود بیشترین و استان‌های سیستان و بلوچستان با ۷ درصد و هرمزگان با ۱۱ درصد از سهم جمعیتی خود کمترین گروه سنی ۶۰ ساله و بیشتر را خواهند داشت. به عبارت دیگر می‌توان دو استان شمالی گیلان و مازندران را به‌عنوان پیرترین و استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان را به ترتیب جوان‌ترین استان‌های کشور در نظر گرفت. لذا به نظر می‌رسد استفاده از سیاست کنترل جمعیت (افزایش/کاهش جمعیت) می‌تواند برای مواجهه با بحران‌های پیش روی صندوق‌های بازنشستگی کشور راهگشا باشد.

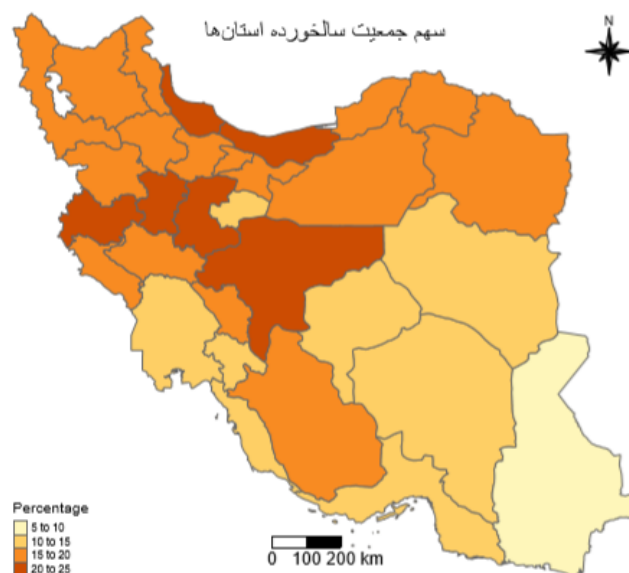
روند افزایش سالمندان بر اساس شکل ۱ در سال‌های پیش رو نسبت به آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، افزایشی بوده و تقریباً تا سال ۱۴۱۵، این جمعیت دو برابر خواهد شد و علاوه بر مشکلات کنونی، چالش‌های جدیدی را برای صندوق‌های بازنشستگی در کشور ایجاد خواهند نمود. از آنجایی که جمعیت در استان‌های کشور یکسان نبوده و تقریباً هر استان ترکیب جمعیتی و هرم سنی خاص خود را دارد، از این رو می‌توان با برنامه‌ریزی‌های مناسب، این مسئله (سالمندی جمعیت) را به یک فرصت برای حل چالش‌های پیش روی صندوق‌های بازنشستگی تبدیل کرد. این بدان معناست که با

بررسی ساختار سنی و جمعیتی هر استان می‌توان یک برنامه‌ریزی دقیق‌تر با صرف زمان کمتر و بازدهی بیشتر را داشت و تصمیمات مناسب‌تری اتخاذ شود.



شکل ۳- سهم جمعیت سالمند هر استان از کل جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر کشور (درصد)

همانگونه که در شکل‌های ۲ و ۳ آمده است در سال ۱۴۱۵، تقریباً ۱۷ درصد از کل جمعیت کشور را افراد بالای ۶۰ سال تشکیل می‌دهند که بیشترین درصد جمعیت سالمند نسبت به کل جمعیت سالمند کشور به ترتیب در استان‌های تهران با درصد ۳/۲۸، خراسان رضوی با ۱/۲۷ درصد، اصفهان با ۱/۲۰ درصد، فارس با ۱/۰۱ درصد و استان خوزستان با ۰/۸۸ درصد دیده می‌شود. بر اساس جمعیت هر کدام از استان‌ها، این آمار و ارقام دور از انتظار نبود زیرا این استان‌ها پرجمعیت‌ترین استان‌های کشور هستند.



شکل ۴- سهم جمعیت سالمند هر استان (درصد)

حال چنانچه خواسته شود، ساختار سنی هر استان متناسب با جمعیت همان استان مورد بررسی قرار گیرد داده‌ها، اطلاعات دیگری را ارایه خواهند کرد، بدان معنا که دو استان شمالی گیلان و مازندران به ترتیب با دارا بودن سهم ۲۴ و ۲۲ درصدی، استان‌های کرمانشاه، همدان، مرکزی، اصفهان با سهم ۲۰ درصدی، استان تهران، اردبیل و آذربایجان شرقی با سهم ۱۹ درصدی جمعیت سالمند از کل جمعیت خود به ترتیب پیرترین استان‌های کشور خواهند بود. لذا مناسب‌تر آن است تا با برنامه‌ریزی بیشتر بر روی این استان‌ها مسئله‌ی سالمندی جمعیت را به یک فرصت و سود جمعیتی تبدیل کرد. یعنی با سرمایه‌گذاری بر جمعیت کنونی این استان‌ها سالمندانی توانا با سلامت جسمی و روانی بیشتر را داشته باشیم که هم می‌تواند به رشد اقتصادی کمک کند و هم در حل بحران و چالش‌های پیش روی صندوق‌های بازنشستگی راهگشا باشند. با استفاده از توزیع استانی سالمندان در هر استان، صندوق‌های بازنشستگی قدرت تصمیم‌گیری بیشتری را برای حل چالش‌های خود متناسب با زیرساخت‌ها و منابع جمعیتی و اقتصادی خواهند داشت.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در عصر حاضر، اهمیت نظام بازنشستگی در حفظ حداقلی از سطح معیشت بازنشستگان و حمایت از سالمندان بر کسی پوشیده نبوده و بر اساس قوانین حال حاضر، برخورداری از تأمین اجتماعی یک حق بشری محسوب می‌شود. از طرفی در دهه‌های اخیر به دلیل پیشرفت تکنولوژی در حوزه‌های متفاوت بهداشتی و صنعتی، رشد و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشورها، افزایش امید به زندگی و کاهش باروری باعث به‌وجود آمدن پدیده کهنسالی جمعیت در بیشتر جوامع از جمله ایران شده است. لذا در سال‌های اخیر افزایش جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر، چالش‌های اقتصادی را رقم زده است و ساز و کار نظام‌های تأمین اجتماعی و نحوه‌ی تأمین مالی صندوق‌های بازنشستگی را با مشکلات جدید رو به رو کرده است.

اگرچه سرمایه‌گذاری مناسب بر جمعیت جوان و میانسال کنونی، برای رفع مشکلات و تأمین نیازهای لازم آنها می‌تواند زمینه‌ساز شرایطی باشد که بتوان از سود جمعیتی دوم بهره‌ی بیشتری برد.

با وجود اینکه در سال‌های اخیر حمایت‌های دولت از صندوق‌های بازنشستگی افزایش یافته است اما متأسفانه کمبود منابع مالی و اعتباری صندوق‌های بازنشستگی افزایش پیدا کرده است. به نظر می‌رسد با بررسی وضعیت جمعیت سالمندی به تفکیک استان‌های کشور برای مواجهه شدن با این معضل در سال‌های آتی راحت‌تر بتوان برنامه‌ریزی نمود. در این حالت صندوق‌های بازنشستگی قدرت تصمیم‌گیری بیشتری را برای حل چالش‌های خود متناسب با زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین منابع جمعیتی متناسب با استان داشته باشند.

بر اساس پیش‌بینی‌های مرکز آمار ایران روند رشد کل جمعیت کشور و جمعیت سالمند کاملاً افزایشی بوده اما با رشد تقریباً ۱۲ درصدی جمعیت کشور از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۱۵، تعداد جمعیت گروه سنی ۶۰ ساله و بیشتر، در این بازه زمانی بیش از ۲ برابر خواهد شد. با دسته‌بندی استان‌ها بر اساس ساختار سنی و بررسی توزیع افراد سالمند در این مناطق مشخص شد در سال ۱۴۱۵ سهم جمعیت گروه سنی ۶۰ ساله و بیشتر نزدیک به ۱۷ درصد از سهم کل جمعیت کشور است و استان تهران با سهم ۳/۳ درصدی و استان‌های کهگیلویه

و بویراحمد، ایلام و خراسان جنوبی با سهم ۱ درصدی خود به ترتیب بیشترین و کمترین سهم از سالمندی کل کشور را دارا خواهند بود.

در سال ۱۴۱۵، با توجه به دسته‌بندی استان‌های کشور بر اساس سهم جمعیت سالمند نسبت به جمعیت کل هر استان، استان‌های گیلان و مازندران به ترتیب با ۲۴ و ۲۲ درصد از کل جمعیت خود بیشترین و استان‌های سیستان و بلوچستان با ۷ درصد و هرمزگان با ۱۱ درصد از سهم جمعیتی خود کمترین گروه سنی ۶۰ ساله و بیشتر را خواهند داشت.

در حالی که در سال ۱۴۱۵، رشد جمعیت سالمند ۲۰۰ درصد خواهد بود. واضح است که جمعیت سالمند در ۱۴۱۵، همان جمعیت جوانی است که در شرایط فعلی مشکلات اشتغال، مسکن و ازدواج آنها برای دولت چالش‌هایی را ایجاد نموده است و قاعدتاً در سال ۱۴۱۵ به بعد نیز چالش‌های جدیدی از جمله افزایش بار مالی برای دولت‌ها به‌منظور تأمین نیازهای بهداشتی، درمانی، اجتماعی، مراقبتی و رفاهی را به همراه خواهد داشت. علاوه بر این می‌توان پیامدهای کلیدی در افزایش جمعیت سالمند در کشور را در سه بخش به‌صورت زیر خلاصه کرد:

۱. فشار بی‌سابقه بر نظام بازنشستگی: کاهش نسبت حمایت بالقوه به معنای افزایش بار مالی بر دوش جمعیت شاغل و تشدید کسری صندوق‌های بازنشستگی است.

۲. بازننگری در سیاست‌های جمعیتی: نیاز فوری به طراحی مدل‌های تأمین مالی پایدار و سازگار با ساختار سنی آینده.

۳. تأثیر بر اقتصاد کلان: کاهش نیروی کار جوان و افزایش هزینه‌های بهداشتی-رفاهی سالمندان، رشد اقتصادی را با چالش مواجه می‌کند.

از این‌رو به نظر می‌رسد ماحصل سرمایه‌گذاری بر جمعیت جوان کنونی و تأمین نیازهای ضروری و مهم آنها، متناسب با توزیع جمعیت و در نظر گرفتن ساختار سنی هر استان، سالمندان فعال‌تر و با سود جمعیتی بیشتر را برای کشور به همراه خواهد داشت. جوان موفق امروز، در آینده از خود سالمند بی‌نیازتری ارایه خواهد داد و لذا میزان وابستگی به خدمات ارایه شده توسط صندوق‌های بازنشستگی کمتر می‌شود و عدم نیاز مالی سالمندان آسیب‌پذیری صندوق‌های بازنشستگی را کمتر خواهد کرد.

با توجه به داده‌ها و نتایج حاصل شده مبنی بر رشد سریع سالمندی در کشور به نظر می‌رسد بهتر است تا با ارایه راهکارهای بهداشتی و رفاهی مناسب نگرشی مثبت از این پدیده در جامعه ایجاد شود. داشتن سالمندانی با توانایی و سلامت جسمی و روانی بالاتر، فرصت افزایش سن بازنشستگی را در پی خواهد داشت و در نتیجه علاوه بر افزایش توان تولیدی-اقتصادی کشور، فرصت متعادل کردن تعداد پرداخت‌کنندگان حق بیمه در سطح خرد و تعداد پرداخت‌کنندگان مالیات در سطح کلان را برای جامعه فراهم خواهد کرد. از این رو به نظر می‌رسد مشکلاتی از قبیل ایجاد تعادل بین جریان‌های ورودی و خروجی صندوق‌های بازنشستگی مورد بررسی قرار گرفته و به تعادل برسند. همچنین علاوه بر به کار بردن سیاست‌های جمعیتی برای افزایش جمعیت، پیشنهاد می‌شود برای کاهش مشکلات پیش روی صندوق‌های بازنشستگی برنامه‌ریزی‌های بلندمدت انجام شود و دستگاه‌های ناظر بر فعالیت‌های صندوق‌های بازنشستگی نظارت بیشتری داشته باشند. در نتیجه‌ی مطالب مطرح‌شده، تحلیل‌ها بیانگر این مطلب هستند که عدم برنامه‌ریزی جامع برای مدیریت پدیده سالمندی، می‌تواند به بحران‌های اقتصادی-اجتماعی غیر قابل جبرانی منجر شود.

توضیحات

۱. این صندوق تازه‌تأسیس بوده و فعلاً در مرحله‌ی دریافت حق بیمه است.
۲. داده‌های این بخش که اساس پیش‌بینی‌های جمعیتی مرکز آمار ایران است.

مرجع‌ها

- [۱] ادبی فیروزجایی، باقر (۱۳۹۶). چالش‌ها و راهکارهای صندوق‌های بازنشستگی در ایران: مطالعه موردی صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح. فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار، دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۱-۳۰.
- [۲] دهقانی، بهاره؛ دشتبان فاروجی، مجید؛ خوشنودی، عبدالله؛ علی‌نژاد مفرد، محمد (۱۳۹۹). تأثیر سالمندی جمعیت بر آینده نظام بازنشستگی ایران. دوفصلنامه تحقیقات سیاست جمعیت، دوره ۶، شماره ۱، صص ۲۶۱-۲۸۸، doi: 10.22034/jips.2020.236663.1057

- [۳] رییس جعفری مطلق، رسول؛ عبدلی، قهرمان؛ نصیری اقدم، علی؛ امیری، حسین (۱۳۹۹). بررسی آثار تغییرات جمعیتی بر پایداری مالی صندوق بازنشستگی با استفاده از مدل نسل های همپوشان مبتنی بر رویکرد DSGE. پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، دوره ۲۸، شماره ۹۶، صص ۱۶۱-۱۲۱، SID. <https://sid.ir/paper/956299/fa>.
- [۴] عزتی، مرتضی؛ مظفری، زانا؛ علیلو، خاطره (۱۳۹۸). اثر ساختار سنی جمعیت بر امنیت اقتصادی ایران. پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایداری)، دوره ۱۹، شماره ۲، صص ۱۵۹-۱۲۵.
- [۵] کیانی، رضا (۱۴۰۰). وضعیت پوشش صندوق های بازنشستگی و نهادهای حمایتی از سالمندان در ایران. بیمه سلامت ایران، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۴۲-۱۵۱. <http://journal.ihio.gov.ir/article-198-1-fa.html>
- [۶] قاسمی، عاصمه؛ طاہری مہربانی، محمود؛ کلدی، علیرضا (۱۴۰۱). تحلیل جامعہ شناختی مدل های صندوق های بازنشستگی بر اساس عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر در زندگی سالمندان (مورد مطالعه: سازمان تامین اجتماعی). ماهنامہ جامعہ شناسی سیاسی ایران، شماره ۵، دوره ۱۲، صص ۱۴۲۷-۱۴۴۳، doi: 10.30510/psi.2022.316339.2668.
- [۷] مرکز آمار ایران، yun.ir/hp72te.
- [۸] مرکز آمار و اطلاعات راهبردی (۱۳۹۴). معرفی و شناخت شاخص های دیدہ بان سالمندی، گردآورندہ سمیرا زمانی و زہرہ قارزی، انتشارات مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- [۹] یوسف زادہ، ایمان؛ اسحق جرجی، معصومہ؛ زمان شعار ہریس، الہام (۱۳۹۸). خدمات اجتماعی و بازنشستگی؛ مطالعہ موردی کشورہای موفق. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشور. اول / ۱.
- [۱۰] یوسفی قلعه رودخان، م. (۱۳۹۶). بررسی چالش های صندوق بازنشستگی و ارایہ راکارہای عملی. نشریہ علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، دورہ ۱، شماره ۱، صص ۹۵-۱۱۱.
- [11] Mirzaie, M., Darabi, S., Babapour, M. (2017). Population Aging in Iran and Rising Health Care Costs (Persian). *Iranian Journal of Ageing*, 12(2), 156-169, <http://dx.doi.org/10.21859/sija-1202156>.

- [12] Sadeghi, R. (2009). *Population and development in Iran: Dimensions and challenges (Persian)*. National Population Studies & Comprehensive Management Institute, Tehran.

طاهره امینی

دکتری آمار

تهران، خیابان فاطمی، خیابان باباطاهر، خیابان فکوری، شماره ۱۴۵، پژوهشکده آمار.

رایانشانی: tahereamini90@yahoo.com

محمد شیرینی

دکتری جمعیت‌شناسی و عضو هیئت علمی پژوهشکده آمار

تهران، خیابان فاطمی، خیابان باباطاهر، خیابان فکوری، شماره ۱۴۵، پژوهشکده آمار.

رایانشانی: mohammadxshiri@gmail.com